آیا از کسی شرم نکنم که ملائکه از او شرم می کنند؟!

از عایشه رضی الله عنها روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در خانه ی من بر یک پهلو دراز کشیده بود و قسمتی از ران یا ساق پایش برهنه بود؛ در این هنگام ابوبکر اجازه ی ورود خواست، رسول الله صلی الله علیه وسلم در همان حالتی که بود به او اجازه ورود داده و او مطلب خود را بیان نمود؛ سپس عمر اجازه ی ورود خواست و رسول الله صلی الله علیه وسلم در همان حالت و وضعیتی که داشت، به او نیز اجازه ی ورود داد و او هم مطلب خود را بیان نمود؛ سپس عثمان اجازه ی ورود خواست، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم بر جای خود نشست و لباسش را صاف نمود. - محمد یکی از راویان حدیث می گوید: و من نمی گویم رعایت این مساله در یک روز بوده است (یعنی همیشه با آمدن عثمان، رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین رفتار می کرد] - آنگاه عثمان وارد شد و مطلب خود را بیان نمود. بعد از اینکه عثمان خارج شد، عایشه رضی الله عنها گفت: هنگامی که ابوبکر وارد شد، به او توجه و اعتنایی نکردید، همچنین هنگامی که عمر وارد شد به او توجه و اعتنایی ننمودید، اما وقتی عثمان وارد شد نشستید و لباس خود را مرتب نمودید؟! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَلَا أَسْتَحِي مِنْ رَجُلٍ تَسْتَحِي مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ»: «آیا از کسی شرم نکنم که ملائکه از او شرم می کنند؟!»

[صحیح است] [به روایت مسلم]

عایشه رضی الله عنها حکایت می کند که روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم در خانه اش بر یک پهلو دراز کشیده بود و قسمتی از ران ها یا ساق های پایش برهنه بود؛ در این هنگام ابوبکر رضی الله عنه اجازه ی ورود خواست و رسول الله صلی الله علیه وسلم در همان وضعیتی که بود به او اجازه ی ورود داده و او مطلب خود را بیان نمود؛ سپس عمر رضی الله عنه اجازه ی ورود خواست و رسول الله صلی الله علیه وسلم در همان وضعیتی که بود، به او نیز اجازه ی ورود داد و او هم مطلب خود را بیان نمود؛ سپس عثمان رضی الله عنه اجازه ی ورود خواست که رسول الله صلی الله علیه وسلم نشست و لباسش را صاف نمود و ران ها یا ساق هایش را پوشاند، سپس به او اجازه ی ورود داد. آنگاه عثمان رضی الله عنه وارد شد و مطلب خود را بیان نمود. بعد از اینکه عثمان رضی الله عنه خارج شد، عایشه رضی الله عنها گفت: هنگامی که ابوبکر وارد شد به او توجه و اعتنایی نکردید، همچنین هنگامی که عمر داخل شد به او توجه و اعتنایی ننمودید، اما وقتی عثمان وارد شد نشستید و لباس خود را مرتب نمودید و ران ها یا ساق های خود را پوشاندید؟! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «آیا از کسی شرم نکنم که ملائکه از او شرم می کنند؟!»؛ یعنی: ملائکه ی خداوند رحمان از عثمان حیا و شرم می کنند، چطور من از او شرم نکنم؟ نمی توان به این حدیث استدلال نمود که ران عورت نیست، زیرا چیزی که مکشوف و برهنه بوده و در حدیث آمده، در مورد آن شک و تردید وجود دارد و مشخص نیست ساق برهنه بوده یا ران. پس نمی توان با استدلال به این حدیث بطور قطع به جواز کشف ران قائل شد. همچنین احادیثی که در آنها بحث برهنه نمودن ران آمده، احادیث فعلی بوده نه قولی، یعنی اصحاب فعل ایشان را در این خصوص ذکر کرده اند و راویان آن، اصحاب کم و سن و سال هستند؛ اما احادیثی که ران را عورت می دانند به احتیاط نزدیک تر بوده و بزرگان صحابه آنها را روایت نموده اند و جزو احادیث قولی است و قول بر فعل مقدم است و فعل می تواند در بر دارنده احتمالاتی باشد؛ و فتوای کمیته دائمی فتوا نیز ران را عورت می داند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10548